

تبیین الگوی فضایی سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار روستایی مورد: روستاهای استان خراسان رضوی

عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری*، استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
سمیرا محمودی، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
غلامرضا غفاری، دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
مهدی پورطاهری، دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۹/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۱

چکیده

اهمیت توسعه پایدار روستایی و نقش حیاتی آن در توسعه بیشتر کشورهای در حال رشد، بر کسی پوشیده نیست و به باور کارشناسان و دست‌اندرکاران امر تحقیق، این مهم بیش از هر چیز در گرو برخورداری از سرمایه مناسب - به‌ویژه سرمایه اجتماعی - از طریق مشارکت و اعتماد اجتماعی امکان‌پذیر است. مطالعات انجام شده، حاکی از لزوم توجه به سرمایه اجتماعی در دستیابی به توسعه پایدار و از جمله توسعه پایدار روستایی می‌باشد. واکاوی‌ها در این ارتباط نشان می‌دهد، اغلب مطالعات صورت گرفته در زمینه سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار روستایی در ایران، دارای نگرش جامعه‌شناسی بوده و بعد فضایی در آنها نادیده گرفته شده و یا بسیار کم‌رنگ است. در نتیجه، آنچه که از واکاوی نوشته‌های سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار روستایی به‌دست می‌آید، این است که مفهوم سرمایه اجتماعی به‌ویژه با «بعد فضایی»، می‌تواند به‌عنوان رهیافتی جامع برای تحقق پایداری اجتماعی در رویکرد توسعه پایدار روستایی به حساب آید؛ چرا که هدف اصلی توسعه پایدار روستایی با رویکرد سرمایه اجتماعی، ارتقای کیفیت زندگی مردم محلی، توانمندسازی، ظرفیت‌سازی، افزایش مشارکت و اعتمادسازی، افزایش اعتماد به نفس و توسعه شبکه‌های ارتباطی روستاییان در داخل و بیرون از محیط روستا و توسعه نهادی می‌باشد. بدین‌منظور، پژوهش حاضر با هدف ارتقای سطح توسعه‌یافتگی روستایی، به‌دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که چه نوع ارتباطی بین سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار روستایی وجود دارد؟ و سرمایه اجتماعی از کدام الگوی فضایی تبعیت می‌کند؟ برای دریافت پاسخ علمی، از روش توصیفی - تحلیلی و پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری دربرگیرنده ۱۸ روستای خراسان رضوی و واحد تحلیل در دو سطح فرد و روستا انتخاب شد. نتایج حاکی از این است که بین سرمایه اجتماعی با توسعه روستاهای مورد مطالعه رابطه معنادار آماری برقرار است. همچنین اینکه، سرمایه اجتماعی ۲۳/۵ درصد از توسعه‌یافتگی روستاهای مورد مطالعه را تبیین می‌نماید. در نتیجه، بر اساس تحلیل رگرسیون می‌توان اذعان نمود که با افزایش سرمایه اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه، سطح توسعه‌یافتگی نیز ارتقاء می‌یابد. بعلاوه، میزان شاخص I برای تحلیل الگوی فضایی نقاط روستایی براساس شاخص سرمایه اجتماعی، ۰/۴۱ می‌باشد که با عنایت به E(I) محاسبه شده (۰/۳۱۲۵-) می‌توان گفت که الگوی فضایی سرمایه اجتماعی روستاهای مورد مطالعه، به سمت الگوی متمرکز یا خوشه‌ای گرایش دارد. از سوی دیگر، نتایج نشان‌دهنده نبود رابطه معنادار آماری بین موقعیت طبیعی روستاهای مورد مطالعه و میزان فاصله از شهر، با نوع الگوی فضایی سرمایه اجتماعی در محدوده مورد مطالعه می‌باشد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، توسعه پایدار روستایی، الگوی فضایی، مناطق روستایی، استان خراسان رضوی.

* Email: reftekhari_reza@yahoo.com

(۱) مقدمه

توسعه با مبانی پیچیده‌ای که با خود به همراه دارد، سال‌ها است که در نوشته‌های جهانی واکاوی می‌شود و هنوز به‌عنوان اندیشه و سرمشق در نهادهای علمی و اجرایی از جایگاه شایسته‌ای برخوردار است. در این راستا، اهمیت توسعه پایدار روستایی و نقش حیاتی آن در توسعه بیشتر کشورهای در حال رشد بر کسی پوشیده نیست و به باور کارشناسان و دست‌اندرکاران امر تحقیق، این مهم بیش از هر چیز در گرو برخورداری از سرمایه مناسب- به‌ویژه سرمایه اجتماعی- از طریق مشارکت و اعتماد اجتماعی امکان‌پذیر است؛ به عبارت دیگر، توسعه منابع انسانی در کنار سرمایه اجتماعی، در توسعه مشارکت آحاد مردم از هر قشری، عامل کلیدی و پیش شرط ضروری برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی است (ازکیا و حسنی راد، ۱۳۸۸: ۱۰).

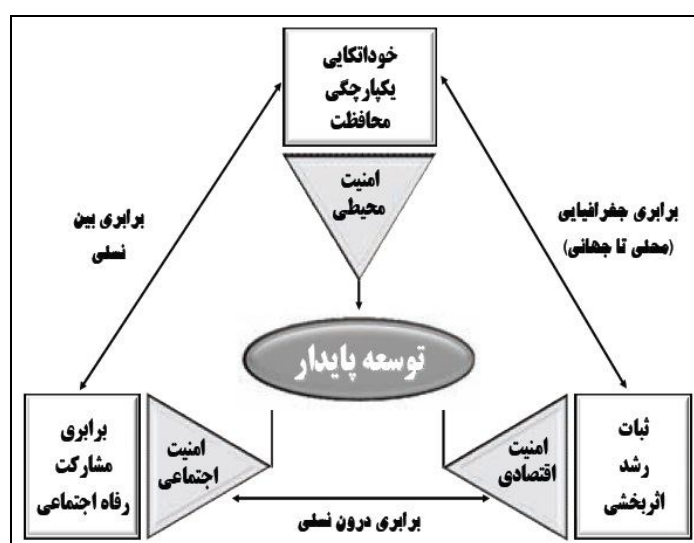
در دهه‌های اخیر، سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک راه‌حل جهت دستیابی به اهداف مورد توجه بسیاری از اندیشمندان توسعه و به‌ویژه توسعه پایدار روستایی قرار گرفته است. در این راستا، با توجه به زمینه‌ها و فرصت‌های مطرح شده برای تولید و تحقق سرمایه اجتماعی و نیز توجه به محدودیت‌های مطرح شده در قالب نهادهای اصلی جامعه در مقیاس‌های خرد، میانی و کلان می‌توان با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی، امکان دستیابی به توسعه پایدار (بهینه و مناسب) را فراهم نمود؛ به‌عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی هم‌فرآیند توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم‌اکنون فرآیند توسعه تأثیر می‌پذیرد (غفاری، ۱۳۹۰: ۶۲). در این مفهوم، سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک ابزار تئوریک بسیار مهم جهت بررسی نقش متغیرهای اجتماعی در توسعه پایدار روستایی پدیدار شده است (Falk and Kilpatrick, 2000; Flora, 1998; Lee et al., 2005; Shucksmith, 2000; Sobels et al., 2001; Svendsen and Svendsen, 2000). از این رو می‌توان گفت، امروزه یکی از چالش‌های پیش روی توسعه پایدار روستایی، کم‌توجهی به سرمایه اجتماعی روستائیان است که شناخت آن، روند برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار روستایی را برای متخصصان مربوطه تسهیل و مشارکت روستائیان را در اجرای بهتر برنامه به همراه دارد (سلمانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰). بدین‌سان، واکاوی بر مطالعات انجام شده، نشان دهنده لزوم توجه به سرمایه اجتماعی در دستیابی به توسعه و از جمله توسعه پایدار روستایی می‌باشد.

به سخن دیگر، از واکاوی ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار پیام مکرری که دریافت می‌شود، این است که روابط اجتماعی فرصت‌هایی هستند برای بسیج منابعی که مشوق رشد هستند، دیگر اینکه سرمایه اجتماعی بدون ارتباط با فضا و متن اجتماعی نمی‌تواند زمینه‌ساز الگوی برنامه‌ریزی فضایی راهبردی محلی باشد و در نهایت، ماهیت و گستره بین اجتماعات و نهادها، کلید فهم چشم-اندازهای توسعه در جامعه است. همچنین، بنا به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، فرهنگ معاصر به طور روزافزون متأثر از اقتصاد فضا و منطق فضایی است و هیجان عصر ما، اساساً مربوط به شکل فعالیت‌ها در

فضا می‌باشد. جریان فعالیت‌ها در فضا، در تبیین و چرایی تحول پدیده‌ها و ایجاد سازمان فضایی ویژه نقش اساسی دارد. بنابراین ارائه فهمی رضایت بخش از روابط و فرایندهای اجتماعی، وابسته به اشکال فعالیت‌های فضایی می‌باشد. تبیین عملکرد فضا متأثر از سه مسئله فضا، زمان و سازوکارهای اقتصادی و اجتماعی است (مطیعی‌لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱). مقاله حاضر به دنبال پاسخی علمی برای این پرسش اساسی است که چه نوع رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی و توسعه روستایی وجود دارد؟ و سرمایه اجتماعی از کدام الگوی فضایی تبعیت می‌کند؟

۲) مبانی نظری

مفهوم توسعه پایدار همانند توسعه، در جریان تحولی خود به روش‌های گوناگون در قالب مفاهیم متنوعی چون بیان چشم‌اندازها (Lee and Greed, 1993: 569)، تبادل ارزش‌ها (Clark, 1989: 51)، توسعه اخلاقی، بازسازماندهی اجتماعی، فرآیند تحول به سمت آینده‌ای بهتر، به مخاطره نیانداختن کیفیت محیط‌زیست (صرافی، ۱۳۷۸: ۱۲؛ 3: Overton, 1999; Avijit, 1998: 98)، توانمندسازی مردم، ایجاد ظرفیت‌های جدید، احترام به اطلاعات و دانش بومی، افزایش آگاهی‌ها و اطلاعات (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۴؛ 31: Abrahamson, 1997; Dobie, 2004)، رساندن انسان به مرحله رضایت از زندگی خویش (Escap, 1996) و آزادی انتخاب و برابری در دسترسی به فرصت‌ها (Axinn and Axinn, 1997: 196) مورد توجه قرار گرفته است که همگی به نوعی تبیین‌کننده ایده محوری توسعه پایدار است که در آن هدف «برآورده ساختن نیازهای نسل حاضر با در نظر گرفتن نیاز نسل‌های آتی» می‌باشد (افتخاری و بدری، ۱۳۹۱: ۲۱؛ 5: WCED, 1987).



شکل شماره (۱): ساختار نظریه پایداری

منبع: جاودان، ۱۳۸۹: ۶۷؛ Pichs and Roman, 2000

در دهه گذشته، تجدید حیات نسبت به ابعاد اجتماعی توسعه مشاهده شده است که می‌توان به سقوط کمونیسیم، مشکلات پیش‌روی ایجاد نهادهای بازار در اقتصادهای انتقالی، بحران مالی در آمریکای لاتین، شرق آسیا و روسیه و مشکلات مداوم بیکاری و حاشیه‌نشینی اجتماعی، حتی در موفق‌ترین اقتصادها، نسبت داد (Woolcock, 2001: 66; Lehtonen, 2004: 200). از این‌رو، با مطرح شدن نقش جمعی و گروهی سرمایه در توسعه، نوع دیگری از سرمایه، با عنوان سرمایه‌ی اجتماعی مطرح شد و در بسیاری از مطالعات از آن به‌عنوان چالش بنیادین توسعه یاد شد (میری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۰). در واقع، وقوع انباشت سرمایه در بسترهای تاریخی و جغرافیایی است که صورت گرفته و فرم‌های خاص فضایی را نیز به وجود می‌آورد؛ به گونه‌ای که بنا به اعتقاد هاروی، «روند سرمایه عامل اصلی تولید و تحول فضا است» (افراخته و حجی پور، ۱۳۹۳: ۴۶). در این راستا، با مطرح شدن مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، شیوه‌های برنامه‌ریزی نیز در چارچوب توسعه پایدار، رویکردی مشارکت‌گونه یافت؛ به طوری که برنامه‌ریزی راهبردی با رهیافت فضایی با تأکید بر شاخص‌هایی همچون سنجش سرمایه‌ی اجتماعی، پایداری انعطاف‌پذیری و مشارکتی بودن شکل گرفت که در آن، هر سرزمین و سکونتگاه در اعمال سیاست‌های توسعه‌ای پایدار همراه با در نظر گرفتن مزیت نسبی، دارای آزادی عمل زیادی شد. همچنین، از چشم‌انداز توسعه بین‌المللی، سرمایه اجتماعی به‌عنوان بخشی از حرکت به‌سوی توسعه "پایین به بالا"، جایگاه ویژه‌ای یافته است (Svendsen and Svendsen, 2000; Small, 2002: 10).

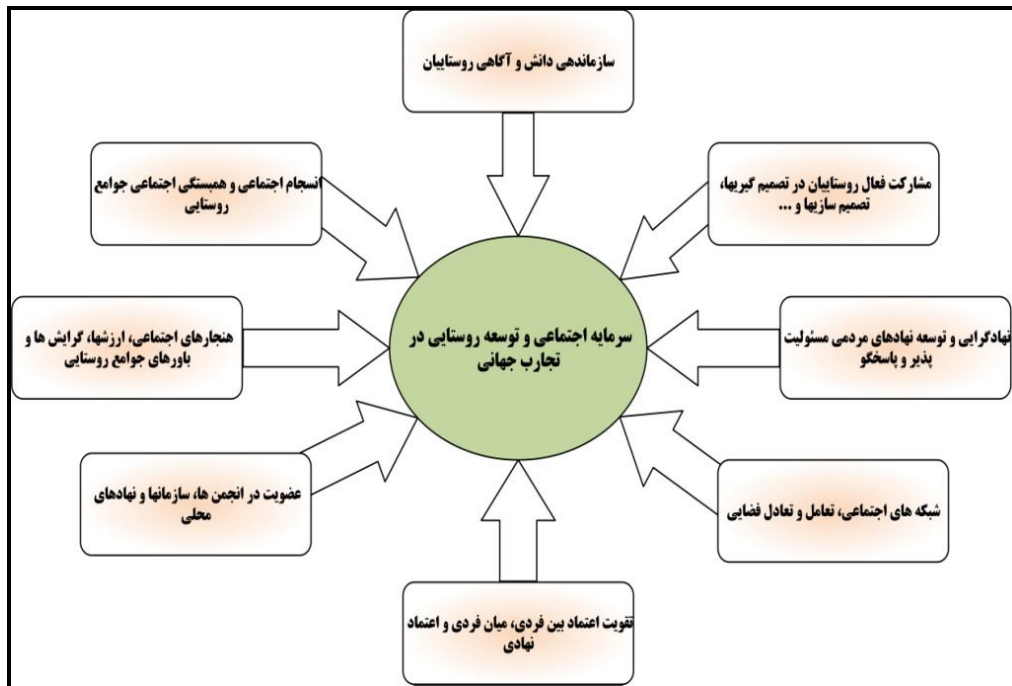
طی دهه‌های اخیر، تلاش‌های زیادی برای تبیین نقش سرمایه اجتماعی در توسعه انجام شده است. بر همین اساس، امروزه رویکرد سرمایه اجتماعی درون مباحث توسعه‌ای در بسیاری از علوم جایگاه خود را یافته است؛ در بسیاری از کشورها و از جمله ایران نیز، علوم برنامه‌ریزی و توسعه روستایی طی سال‌های اخیر، توجه خود را به این موضوع معطوف داشته است. بر همین اساس، الگوهای نظری متعددی در یک فرآیند رو به تکامل معرفی شده‌اند که اغلب در سیاست‌ها و برنامه‌ها به این موضوع پرداخته‌اند. هر یک از این الگوهای نظری، از جنبه‌های مختلف به تبیین سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار روستایی پرداخته و مؤلفه‌ها و شاخص‌های متعددی را مطرح نموده‌اند. در جدول ۱ به طور خلاصه تجارب جهانی در مورد سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار به تصویر کشیده شده است.

جدول شماره (۱): تجارب جهانی در خصوص سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار

نظریه پردازان	نام کشور	هدف	شاخص‌ها	فروض مبنای نظریه
کارل مارکس	آلمان	سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی	تعاملات و پیوندها، انسجام اجتماعی	شرایط منفی و بحرانی افراد را به سوی استفاده از انرژی جمعی، توانایی-های بالقوه جمعی، اتکاء به یکدیگر و توسل به پشتیبانی یکدیگر و استفاده از پتانسیل‌های گروهی ترغیب می‌کند.
جورج زیمل	آلمان	سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی	کنش جمعی، شبکه‌های اجتماعی	مفهوم سرمایه اجتماعی به داد و ستدهایی که افراد در زندگی اجتماعی صورت می‌دهند، گفته می‌شود. البته با ملاحظات مشخص و منفعتی که دیر یا زود انتظار برآورده شدن آن می‌رود.
امیل دورکیم و تالکوت پارسونز	فرانسه	سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی	همبستگی اجتماعی، تعاملات و پیوندها، هنجار اجتماعی، اعتماد	با نگاهی انتقادی و در پاسخ به بینش‌ها و رویکردهایی که مفهوم سرمایه را به مبادلات اقتصادی تقلیل می‌داد، به طرح مفهوم ارزش پرداختند و تغییر خود را به‌نوعی بر درون‌فکنی ارزشی استوار ساختند. یعنی تعهداتی که مبنای آن، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است.
گلن لوری	آمریکا	سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی	همبستگی اجتماعی، اعتماد	اصطلاح سرمایه اجتماعی را در دهه ۱۹۷۰ برای توصیف مشکل اقتصاد درون‌شهری بکار برد. بر مبنای اعتماد و همبستگی اجتماعی استوار است.
پیر بوردیو	فرانسه	سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی	تعاملات و پیوندها، شبکه‌های اجتماعی، همبستگی اجتماعی	سرمایه اجتماعی محصول استراتژی‌های سرمایه‌گذاری است که در نتیجه تلاش‌های فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه معطوف به استقرار یا بازتولید روابط اجتماعی طراحی می‌شود.
جیمز کلمن	آمریکا	سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی	هنجارها، تعاملات و پیوندها، شبکه‌های اجتماعی، همبستگی اجتماعی خانواده	سرمایه اجتماعی به‌عنوان جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که اعضاء از آن به‌عنوان منبعی برای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کنند. منابع ذاتی روابط متقابل اجتماعی که کنش اجتماعی را تسهیل می‌کند.
رابرت پاتنام	ایتالیا	سرمایه اجتماعی و توسعه منطقه‌ای	اعتماد، هنجار اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی	ویژگی‌های زندگی اجتماعی- شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد- که افراد را قادر می‌سازد با هم و با کارایی بیشتر برای دنبال کردن اهداف فردی عمل کنند.
فرانسیس فوکویاما	شیکاگو	سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی	اعتماد، پیوندها و تعاملات، کنش جمعی	سرمایه اجتماعی را به‌عنوان عامل رشد سطح همکاری اعضای جامعه معرفی می‌کند که هزینه مبادله ارتباطات را کاهش می‌دهد و اعتماد را مبنای هرگونه مبادله اقتصادی و اجتماعی معرفی می‌کند.
کریشنا	هند	سرمایه اجتماعی و توسعه محلی/روستایی	نهادهای، مشارکت، اعتماد، دانش و آگاهی، کنش جمعی	به نقش نهادهای غیردولتی در ایجاد سرمایه اجتماعی توجه می‌کند. سرمایه اجتماعی بر مشارکت، اعتمادسازی، توانمندسازی، آگاهی‌بخشی، همکاری جمعی و مسئولیت اجتماعی استوار است.

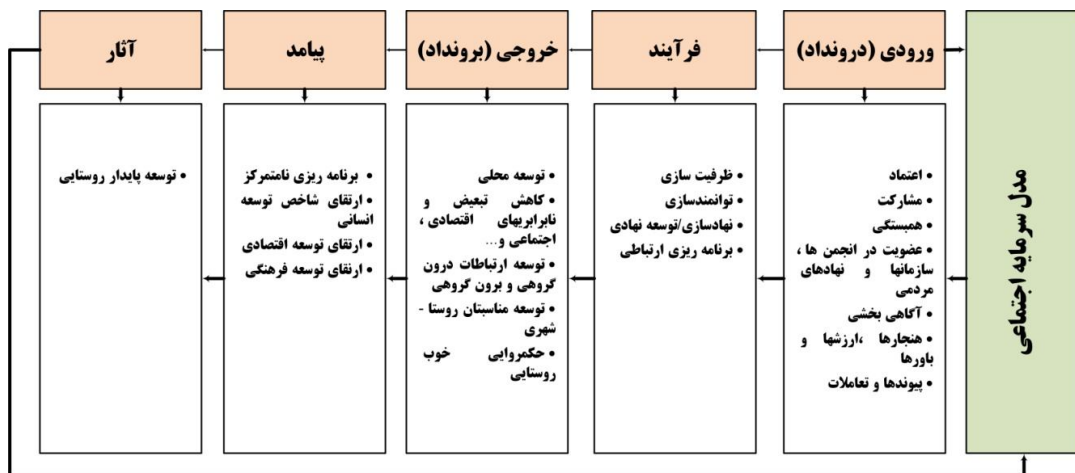
منبع: Yokoyama and Sakurai, 2006, 20-26

با عنایت به تجربیات و مطالعات متعددی که از کشورها، مجامع بین‌المللی و سازمانی و محققین در این خصوص انجام پذیرفته، شاخص‌های مطرح در قالب مدل سرمایه اجتماعی (مستخرج از تجربیات ذکر شده) در شکل ۲ نمایش داده شده است.



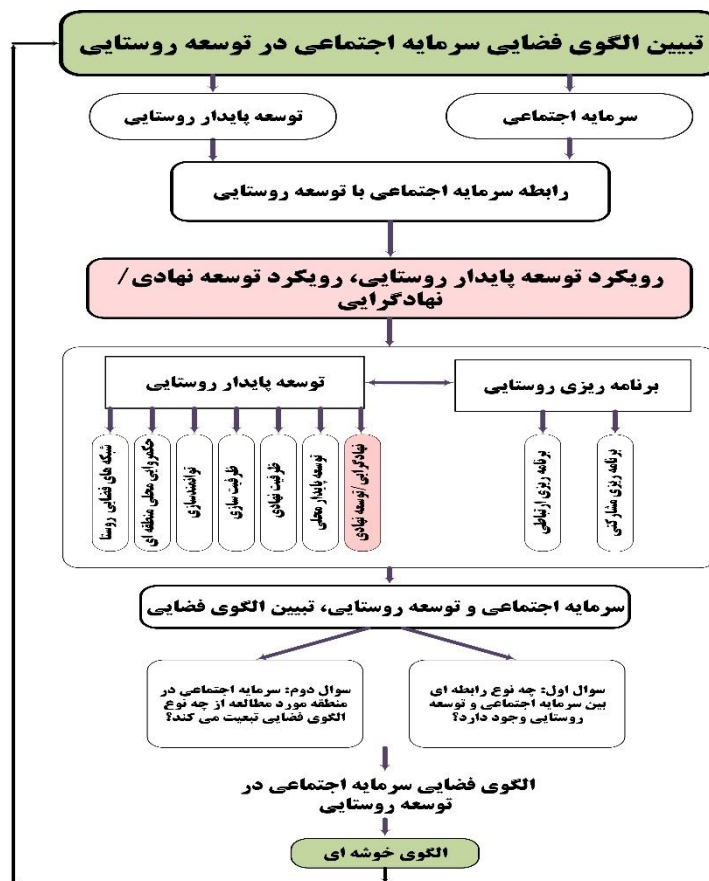
شکل شماره (۲): مدل سرمایه اجتماعی مستخرج از سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی کشورهای مختلف

براساس رویکرد سیستمی، توسعه روستایی به‌طور اعم و توسعه اجتماعی به‌طور اخص، تولیدی نظام‌مند است که از درون لایه‌های مختلف سیستم به شکلی درون‌زاد و در نتیجه مناسبات عناصر درون سیستمی مختلف همچون پیوندها و شبکه‌های اجتماعی، نظم و امنیت، هنجارها و مشارکت، معنا و مفهوم عینی و ذهنی پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، در این رویکرد، ویژگی‌های سرمایه اجتماعی در قالب سیستمی از داده (درونداد)، فرآیند، خروجی (ستاده)، پیامد و اثر گنجانده شده است. از این رو، دروندادها و فرآیندهای سیستم به معنای ابزار تحقق سرمایه اجتماعی و توسعه روستایی در کوتاه‌مدت (برونداد)، میان‌مدت (پیامد) و بلندمدت (آثار) است که به‌عنوان اهداف قلمداد می‌شود. شکل ۳ الگوی سرمایه اجتماعی برای توسعه روستایی را براساس رویکرد سیستمی نشان می‌دهد.



شکل شماره (۳): الگوی سرمایه اجتماعی برای توسعه روستایی براساس رویکرد سیستمی

بدیهی است در رویکرد سرمایه اجتماعی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مطرح شده منجر به توسعه پایدار نواحی روستایی می‌شود؛ چرا که، در سرمایه اجتماعی، مشارکت مردم محلی/ روستاییان، همبستگی اجتماعی، عضویت در انجمن‌ها و شبکه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و باورها و نیز پیوندها و تعاملات از طریق ظرفیت‌سازی، توانمندسازی، نهادسازی یا توسعه نهادی و در چارچوب برنامه‌ریزی راهبردی مشارکتی، تعاملی و ارتباطی با پارادایم فضایی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی منجر به شکل‌گیری جامعه‌ای نهادگرا، غیرمتمرکز، مشارکتی، تعاملی و ارتباطی همراه با عدالت فضایی، می‌شود که در نتیجه‌ی آن توسعه پایدار روستایی تحقق می‌یابد. بنابراین با توجه به مجموعه مباحث مطرح شده به نظر می‌رسد که تجمیع و تلفیقی از نظریه‌ها و دیدگاه‌ها و پارادایم‌های توسعه، به‌ویژه توسعه پایدار روستایی، می‌تواند به تبیین و توجیه رابطه رویکرد سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار روستایی کمک نماید. در این رابطه، رویکرد نهادگرایی/ توسعه نهادی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چرا که این رویکرد، پاسخی به ناتوانی رویکردهای کلاسیک توسعه محلی و منطقه‌ای و شکست آنها در تبیین چرایی نابرابری‌های محلی و منطقه‌ای و ارائه راهکارهای مناسب برای از بین بردن این نابرابری‌ها (توسعه فضایی) می‌باشد. همچنین بسیاری از شاخص‌های سرمایه اجتماعی از طریق این رویکرد و نظریه، قابل توسعه خواهد بود. به عبارت دیگر، نظریه توسعه نهادی، با مباحثی همچون توجه به روش‌شناسی کیفی در فرآیند تدوین برنامه‌های توسعه، تقویت شیوه‌های نظارتی از طریق نهادهای مردمی (سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌ها)، تشکیل و تقویت نهادهای غیردولتی، تشکل‌های مردمی و محلی، گروه‌های کار و تشکل‌های کوچک (به‌ویژه زنان و جوانان)، ایجاد و تقویت گروه‌های تسهیل‌گر، ظرفیت‌سازی نهادی، تقویت رسانه‌ها از جمله رسانه‌های مربوط به توسعه پایدار روستایی، توانمندسازی و آموزش و ارتقای مهارت‌های آگاهی‌بخش و ایجاد نظام فراگیر داده‌ها و اطلاعات روستایی، سبب تقویت جنبه‌های مشارکتی، پیوندها و تعاملات درون‌گروهی و برون‌گروهی و تقویت شبکه‌های اجتماعی می‌شود. از این رو، جایگاه ویژه‌ای در شکل‌گیری الگوی فضایی مناسب در برنامه‌ریزی توسعه، به‌ویژه توسعه پایدار روستایی دارد. می‌توان براساس اصول و معیارها، اهداف، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار روستایی، یک مدل مفهومی برای تبیین الگوی فضایی سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار روستایی ارائه نمود (شکل ۴).



شکل شماره (۴): مدل مفهومی تحقیق

درباره‌ی موضوع تحقیق مطالعات چندی صورت گرفته است. در مطالعه‌ای با عنوان «نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح‌های توسعه روستایی» که توسط ازکیا و حسنی‌راد در سال ۱۳۸۸ انجام گرفته است، به بررسی تبیین نقش اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در برنامه‌های توسعه روستایی و نیز شناخت میزان اثرات آن پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان‌دهنده تأثیر مستقیم متغیر اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و میزان تحصیلات و نیز تأثیر غیر مستقیم متغیرهای مشارکت اجتماعی، مشارکت ذهنی و عملی (عینی) و میزان یاریگری و سن و جنس در برنامه‌های توسعه روستایی بوده است.

میری و همکاران در سال ۱۳۸۹ در مطالعه‌ای با عنوان «نقش سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه‌ی روستایی (مطالعه موردی: منطقه‌ی پشت آب سیستان)»، سه شاخص مورد توجه پاتنام یعنی اعتماد، مشارکت و شبکه‌ها را در ارتباط با سنجش سرمایه‌ی اجتماعی بکار گرفته‌اند. نتیجه مطالعات آنها نشان داد که بالاترین میزان واریانس در بین ابعاد سرمایه اجتماعی مربوط به بعد شبکه بوده است و در مجموع بین سرمایه اجتماعی و توسعه روستایی، رابطه معناداری وجود داشته است.

سلمانی و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی (مطالعه موردی: روستاهای باغستان و برون - شهرستان فردوس)» که در آن ابتدا به شناسایی شاخص‌های سرمایه اجتماعی پرداخته شده، دریافتند که تعامل، بیشترین نقش را در بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی دارد.

صدائی و دهقانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه روستایی: با تأکید بر مشارکت سنتی و جدید در بخش مرکزی شهرستان نورآباد ممسنی»، میزان مشارکت مردمی را در گذشته و حال حاضر ارزیابی نموده‌اند که نتایج نشان داد رابطه معناداری بین مشارکت سنتی و جدید روستاییان منطقه مورد مطالعه وجود ندارد، اما این تفاوت در مصادیق مشارکت سنتی و جدید چشمگیر است.

در سال ۲۰۰۶، پومکاو^۱ در دانشگاه یورک کانادا پایان‌نامه‌ای در زمینه سرمایه اجتماعی و توسعه روستایی در کشور تایلند، نوشته است. هدف اصلی او از این تحقیق، استفاده از تئوری‌های سرمایه اجتماعی جهت کشف سطوح متفاوت موفقیت و شکست توسعه اجتماع محور در تایلند بوده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که سرمایه اجتماعی بالا، به‌ویژه صداقت و مقابله به‌مثل، امکان مشارکت اجتماع در روابط عمومی و توسعه مبتنی بر اجتماع را ممکن می‌سازد.

در سال ۲۰۰۷، گریپ^۲ در پایان‌نامه دکتری خود در دانشگاه پرینستون، رابطه بین سرمایه اجتماعی و مهاجرت‌های روستا-شهری را بررسی کرده است. کار ایشان نشان می‌دهد که چگونه سطوح و توزیع منابع سرمایه اجتماعی در یک اجتماع، پویایی اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی را تغییر می‌دهد.

متوسچه^۳ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای پیرامون اثرات شبکه‌های اجتماعی در سیستم‌های نوآوری روستایی تلاش کرده است تا میزان سازگاری روستاییان و بویژه کشاورزان را تحت عنوان شبکه‌های اجتماعی روستایی، بر ورود نوآوری‌ها و خلق فرصت‌های نوآورانه در روستاها بررسی و ارزیابی نماید. وی در خاتمه استدلال می‌کند که وجود یک چارچوب مشخص می‌تواند به خلق شبکه‌ای اجتماعی با ویژگی‌هایی نظیر درک وسیع از نوآوری، حمایت از فعالیت‌های نوآورانه در روستاها و همچنین طراحی و توسعه رویکردهای جدید در این زمینه، کمک نماید.

اسپیلمن و همکاران^۴ در سال ۲۰۰۸، مطالعه‌ای با عنوان «شبکه‌ها و سیستم‌های نوآوری روستایی» را بر روی کشاورزان خرده‌پای اتیوپی انجام داده‌اند که هدف از مطالعه آنها، بهبود رفاه این قشر از جامعه روستایی بوده است. در واقع، این مقاله به بررسی این بخش از کشاورزی و بهبود تعاملات آن با سایر

¹ Poomkaew

² Garip

³ Matuschke

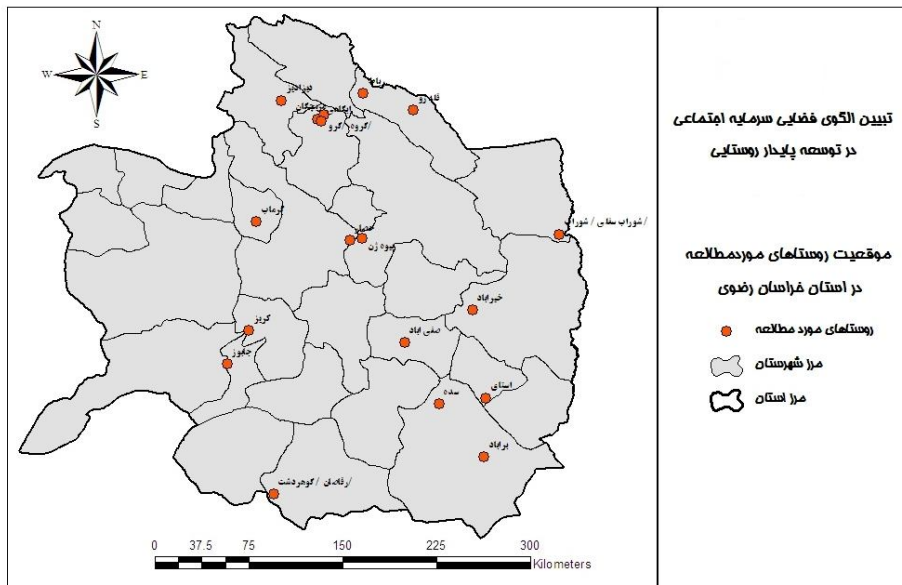
⁴ Spielman et al

بخشها برای فراهم کردن زمینه‌ی توسعه فرآیندهای نوآوری برای آنها پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سیاست دولت اتیوپی برای بهبود رفاه روستائیان، از طریق افزایش دسترسی به بازار در بین کشاورزان خرده مالک بوده است.

توکلی و همکاران در سال ۲۰۱۱ در تحقیق خود با عنوان «تحلیل موقعیت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی» که در بخش مرکزی شهر نورآباد ممسنی صورت گرفته است، رفتارهای اجتماعی و سرمایه اجتماعی و نیز تفاوت آنها با یکدیگر را بررسی کردند. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که تغییر در شرایط اجتماعی به‌عنوان نتیجه‌ای از یک چرخه‌ای است که در آن بازیگران (روستائیان)، به‌طور مداوم در حال انتقال و تغییر شکل می‌باشند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی اغلب اثرات مفیدی در توسعه جوامع محلی برجای می‌گذارد و به انتقال اطلاعات و استفاده از آن در درون گروه‌های اجتماع کمک می‌نماید. در نهایت مطالعات نشان می‌دهد که توجه محققان عموماً بر جنبه اجتماعی مسئله بوده و از جنبه مکانی- فضایی و شیوه تحلیل آن کمتر استفاده شده است.

(۳) روش تحقیق

روش تحقیق مقاله حاضر، توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر شیوه‌های کمی و کیفی است. حجم نمونه به شیوه تصادفی طبقه‌بندی شده در محیط GIS و توسط ابزار Hawth's Analysis Tools (توسط این ابزار روستاها با در نظر گرفتن موقعیت طبیعی، فاصله تا نزدیکترین شهر و تعداد خانوار) انتخاب شده است؛ به طوری که تعداد ۶ روستا از هر طبقه انتخاب گردید که در مجموع تعداد ۱۸ روستا از مجموع روستاهای استان خراسان رضوی، نمونه تحقیق بوده است. جامعه آماری ۲ گروه را شامل می‌شود که عبارتند از: مردم محلی روستا (جامعه میزبان) و مسئولان محلی (اعضای شورا و دهیار). در این مقاله برای سنجش روایی و پایایی پرسشنامه از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است؛ به گونه‌ای که با استفاده از آزمون KMO، میزان روایی گویه‌های تبیین‌کننده سرمایه اجتماعی برابر ۰/۷۱ محاسبه شده است. همچنین براساس نتایج آزمون اعتبار سازه‌ای، ضریب آلفای کرونباخ بدست آمده از پرسشنامه طراحی شده جهت سنجش سرمایه اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه، معادل ۰/۸۹ می‌باشد که بدین ترتیب پایایی یا اعتبار پرسشنامه تأیید می‌گردد. شکل ۵ موقعیت روستاهای نمونه را در سطح استان خراسان رضوی نشان می‌دهد.



شکل شماره (۵): موقعیت روستاهای مورد مطالعه در استان خراسان رضوی

از سوی دیگر، به منظور انتخاب شاخص‌های سرمایه اجتماعی، در ابتدا با واکاوی انتقادی بر مطالعات انجام شده، شاخص‌ها فهرست شد و در گام دوم، شاخص‌های اولیه به منظور شناسایی شاخص‌های سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار روستایی غربال گردید و به شاخص اصلی محدود شد. سپس این شاخص‌ها با توجه به فراوانی تکرار در منابع گوناگون، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و شاخص‌های اصلی استخراج گردید. سپس پرسشنامه‌ای از این شاخص‌ها تهیه و در نهایت با انجام مطالعات پیمایشی و نظرخواهی از خبرگان و متخصصان امر (شامل ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه، پژوهشگران و مدیران) که تجربه و دانش لازم را داشتند، مجموعه‌ای مناسب و بومی شده از شاخص‌های سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی، انتخاب و ارائه گردید (جدول ۲). به منظور تعیین سطح توسعه‌یافتگی روستاهای نمونه نیز از تکنیک TOPSIS بهره گرفته شد. در جدول ۳ شاخص‌های تبیین‌کننده سطح توسعه‌یافتگی روستاهای نمونه نشان داده شده است.

جدول شماره (۲): مؤلفه‌ها و شاخص‌های تبیین‌کننده انواع سرمایه اجتماعی

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	معیار اندازه‌گیری (نماگرها)
مشارکت اجتماعی	مشارکت ذهنی	ذهنیت افراد نسبت به مشارکت در حل مشکلات روستا
		میزان اراده جمعی در حل مشکلات روستا
		میزان تفکر مشارکتی دولت و مردم و کارشناس برای بالا بردن ظرفیت توسعه‌ای روستا
		میزان آگاهی جمعی برای بالا بردن ظرفیت توسعه‌ای روستا
		ذهنیت افراد نسبت به مشارکت با شورای اسلامی روستا
مشارکت عینی	مشارکت رسمی	میزان مشارکت بین کشاورزان
		میزان مشورت با کشاورزان موفق روستا
		میزان مشارکت در فعالیت‌های خیریه در روستا
		میزان مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه روستا
		میزان مشارکت در برنامه‌های تسهیل‌گری- ترویجی برای بالا بردن ظرفیت توسعه‌ای روستا
عضویت در شبکه‌ها و گروه‌ها	دولتی و خصوصی	میزان مشارکت با اعضای شورای اسلامی روستا
		میزان مشارکت در طرح‌های عمرانی روستا مانند ساخت مسجد، طرح هادی روستا و ...
		درصد عضویت در انجمن‌ها، صنوف، اتحادیه‌ها و شبکه‌های بخش خصوصی نسبت به کل شبکه‌ها و گروه‌های خصوصی در روستا
نهادهای اجتماعی	سازمان‌ها و نهادهای خصوصی و دولتی	درصد عضویت در NGO ها نسبت به کل شبکه‌ها و گروه‌های خصوصی در روستا
		میزان رضایت از سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی
امنیت	خدمات بیمه‌ای	میزان رضایت از عملکرد نهادها و سازمان‌های دولتی
		درصد اراضی دارای بیمه محصولات کشاورزی نسبت به کل اراضی روستا
		میزان احساس آرامش با زندگی در روستا
دانش و آگاهی	خدمات امنیتی در روستا	میزان احساس آرامش همسایگی در کوچه و محلات
		میزان احساس آرامش همسایگی در کسب و کار (خدمات، کشاورزی و صنعت)
		میزان رضایت افراد از نوع طراحی خانه، کوچه، محله و خیابان‌ها
هنجارها	امنیت کالبدی	میزان احساس آرامش از میزان تراکم و رفت و آمد در روستا
		میزان دانش بومی
		میزان مطالعه عمومی در طول هفته
		تعداد ساعات استفاده از اینترنت در طول هفته
		درصد گفتگو با والدین در طول روز
اعتماد	استفاده از تجارب دیگران	درصد گفتگو با همکاران در طول روز
		میزان گفتگو با ریش‌سفیدان روستا
		میزان احترام به قوانین موجود در روستا
اعتماد بین فردی و تعمیم‌یافته	تعهدات و قراردادهای	میزان التزام به نظام عرفی روستا
		میزان احترام به قوانین رسمی
		میزان احترام به سنت‌ها
اعتماد نهادی	ارزشها و نگرش‌ها	میزان احترام به بزرگترها
		میزان اعتماد اعضای خانواده به یکدیگر
		میزان اعتماد به خویشاوندان
		میزان اعتماد کشاورزان به یکدیگر
		میزان اعتماد به مروجین جهاد کشاورزی
همبستگی اجتماعی	اعتماد به دولت	میزان اعتماد به شورای روستا
		میزان اعتماد به شورای حل اختلاف روستا
		میزان کمک به یکدیگر در مواقع گرفتاری
شبکه‌های اجتماعی	تعامل و نزاع	میزان چنددستگی طایفه‌ای
		میزان روابط اعضای خانواده با یکدیگر
		روابط درون گروهی و بین گروهی
روابط برون گروهی	روابط برون گروهی	درصد مراجعه به شهر طی هفته گذشته
		درصد مراجعه به روستاهای دیگر طی هفته گذشته

جدول شماره (۳): شاخص‌های تبیین‌کننده توسعه یافتگی روستایی

ابعاد	شاخص‌ها
اقتصادی	نرخ اشتغال
	نرخ اشتغال مردان در روستا
	نرخ اشتغال زنان در روستا
	درصد شاغلین در بخش کشاورزی
	درصد شاغلین در بخش خدمات
	درصد شاغلین در بخش صنعت
	نرخ فعالیت
	نرخ فعالیت زنان در روستا
	نرخ فعالیت مردان در روستا
	نرخ بیکاری
	درصد بیکاری زنان در روستا
	درصد بیکاری مردان در روستا
	نسبت زمین زراعی به جمعیت روستا
	نسبت زمین زراعی آبی به جمعیت روستا
	نسبت زمین زراعی دیم به جمعیت روستا
	نسبت باغ و قلمستان به جمعیت روستا
	نسبت باغ و قلمستان آبی به جمعیت روستا
	نسبت باغ و قلمستان دیم به جمعیت روستا
	سرانه دام
	سرانه گوسفند و بره
سرانه بز و بزغاله	
سرانه گاو و گوساله	
تراکم بیولوژیکی جمعیت	جمعیت و آموزش
متوسط بعد خانوار	
نسبت جنسی	
درصد باسوادی مردان	
درصد باسوادی زنان	کالبدی
درصد کل باسوادی	
نسبت واحد مسکونی به خانوار	
خدمات زیربنایی و روبنایی (شاخص مرکزیت)	

۴ یافته‌های تحقیق

ممکن است در یک نگاه بتوان گفت منطقه‌ای از منطقه دیگر برخوردارتر یا محروم‌تر است؛ اما اندازه‌گیری دقیق میزان برخورداری، نیاز به تکنیک‌های علمی شناخته شده و قابل قبولی دارد (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹). بدین منظور، در برنامه‌ریزی توسعه پایدار روستایی برای اولویت‌بندی روستاها از نظر توسعه یا برخورداری روش‌های متفاوتی وجود دارد. در این میان، رتبه‌بندی روستاها با استفاده از تکنیک TOPSIS نتایج معقول‌تر و مفیدتری را به دست می‌دهد زیرا در این روش، فرض نابرابری وزن شاخص‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد (جدول ۴).

جدول شماره (۴): وزن و معیار فاصله‌ای مربوط به شاخص‌های تأثیرگذار بر توسعه روستاهای مورد مطالعه

ردیف	معیار / مؤلفه	وزن استاندارد	معیار فاصله‌ای	
			S ⁻	S ⁺
۱	نرخ اشتغال	۰/۰۸	۰/۸۳۱۹	۰/۱۳۷۸
۲	نرخ اشتغال مردان در روستا	۰/۰۸	۰/۸۵۴۹	۰/۱۳۹۶
۳	نرخ اشتغال زنان در روستا	۰/۰۸	۰/۳۶۷۸	۰/۰۸۶۰
۴	درصد شاغلین در بخش کشاورزی	۰/۰۷	۰/۵۰۷۴	۰/۷۵۷۹
۵	درصد شاغلین در بخش خدمات	۰/۰۱	۰/۰۰۴۱	۰/۰۰۹۰
۶	درصد شاغلین در بخش صنعت	۰/۰۱	۰/۰۰۵۲	۰/۰۷۵۰
۷	نرخ فعالیت	۰/۰۴	۰/۰۸۸۷	۰/۳۶۳۸
۸	نرخ فعالیت زنان در روستا	۰/۰۱	۰/۰۱۱۷	۰/۱۷۱۲
۹	نرخ فعالیت مردان در روستا	۰/۰۶	۰/۳۴۲۰	۰/۱۴۶۱
۱۰	نرخ بیکاری	۰/۰۱	۰/۰۰۴۰	۰/۰۵۱۴
۱۱	درصد بیکاری زنان در روستا	۰/۰۱	۰/۰۰۱۹	۰/۰۱۲۲
۱۲	درصد بیکاری مردان در روستا	۰/۰۱	۰/۰۰۴۱	۰/۰۵۳۰
۱۳	نسبت زمین زراعی به جمعیت روستا	۰/۰۵	۵/۱۲	۵۳/۸۴
۱۴	نسبت زمین زراعی آبی به جمعیت روستا	۰/۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰۱
۱۵	نسبت زمین زراعی دیم به جمعیت روستا	۰/۰۳	۲/۱۶	۲۴/۹۳
۱۶	نسبت باغ و قلمستان به جمعیت روستا	۰/۰۱	۰/۰۱۸۴	۰/۲۵۸۸
۱۷	نسبت باغ و قلمستان آبی به جمعیت روستا	۰/۰۱	۰/۰۱۸۴	۰/۲۷۰۸
۱۸	نسبت باغ و قلمستان دیم به جمعیت روستا	۰/۰۱	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۷۸
۱۹	سرانه دام	۰/۰۱	۰/۰۰۷۹	۰/۰۶۱۳
۲۰	سرانه گوسفند و بره	۰/۰۱	۰/۰۰۵۲	۰/۰۳۲۷
۲۱	سرانه بز و بزغاله	۰/۰۱	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۳۶
۲۲	سرانه گاو و گوساله	۰/۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰۱
۲۳	تراکم بیولوژیکی جمعیت	۰/۰۱	۰/۰۰۸۸	۰/۱۴۳۷
۲۴	متوسط بعد خانوار	۰/۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
۲۵	نسبت جنسی	۰/۰۹	۰/۱۵۱۶	۰/۳۹۵۱
۲۶	درصد باسوادی مردان	۰/۰۷	۰/۸۵۵۷	۰/۳۳۰۲
۲۷	درصد باسوادی زنان	۰/۰۶	۰/۶۵۴۲	۰/۳۵۲۵
۲۸	درصد کل باسوادی	۰/۰۶	۰/۶۰۷۵	۰/۲۹۶۵
۲۹	نسبت واحد مسکونی به خانوار	۰/۰۷	۲/۷۲	۵/۸۲
۳۰	امکانات و خدمات زیرساختی	۰/۰۵	۰/۵۸۶۴	۰/۹۳۸۲
	جمع	۱/۰۰۰	-	-

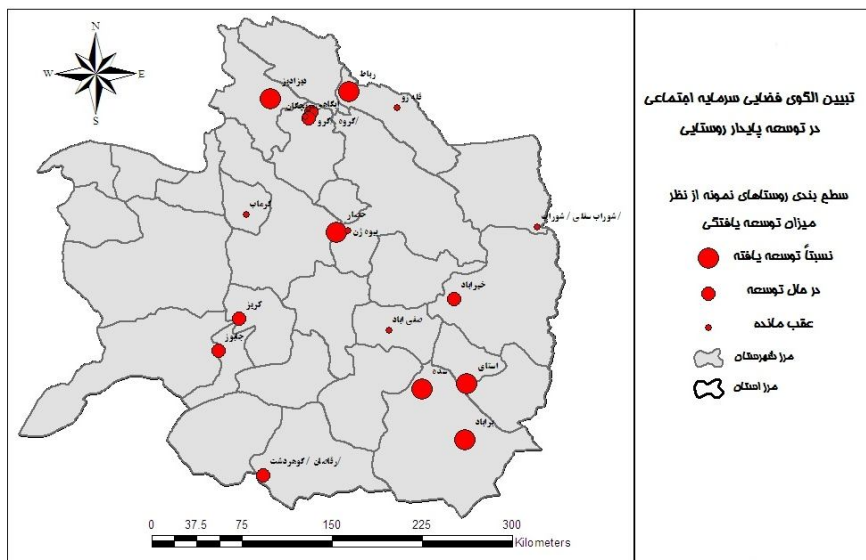
منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰؛ سرشماری کشاورزی، ۱۳۸۳

پس از محاسبه وزن هر یک از شاخص‌های توسعه روستایی، وضعیت روستاهای نمونه به لحاظ توسعه-یافتگی براساس مدل تصمیم‌گیری چندشاخصه TOPSIS به شرح جدول ۵ به دست آمده است.

جدول شماره (۵): رتبه‌بندی روستاهای نمونه به لحاظ وضعیت توسعه‌یافتگی با استفاده از تکنیک TOPSIS

ردیف	روستا	CI (ضریب اولویت)	رتبه روستا	وضعیت توسعه‌یافتگی
۱	استای	۰/۱۶۹۵	۱۸	عقب‌مانده
۲	گرماب	۰/۲۵۰۴	۶	نسبتاً توسعه‌یافته
۳	خیرآباد	۰/۲۳۹۸	۹	در حال توسعه
۴	گروه	۰/۲۴۴۶	۸	در حال توسعه
۵	آبگاهی	۰/۲۴۵۱	۷	در حال توسعه
۶	مریچگان	۰/۳۲۱۶	۳	نسبتاً توسعه‌یافته
۷	جابوز	۰/۲۲۵۲	۱۱	در حال توسعه
۸	برآباد	۰/۲۰۸۱	۱۳	عقب‌مانده
۹	سده	۰/۱۹۲۰	۱۶	عقب‌مانده
۱۰	صفی آباد	۰/۲۶۴۱	۵	نسبتاً توسعه‌یافته
۱۱	شوراب	۰/۵۴۵۱	۲	نسبتاً توسعه‌یافته
۱۲	دیزادیز	۰/۱۷۳۴	۱۷	عقب‌مانده
۱۳	کریز	۰/۲۱۷۲	۱۲	در حال توسعه
۱۴	قله زو	۰/۷۸۰۹	۱	نسبتاً توسعه‌یافته
۱۵	رباط	۰/۲۰۴۵	۱۴	عقب‌مانده
۱۶	گوهردشت	۰/۲۳۲۱	۱۰	در حال توسعه
۱۷	پیوه زن	۰/۲۶۵۹	۴	نسبتاً توسعه‌یافته
۱۸	حصار	۰/۱۹۳۳	۱۵	عقب‌مانده

با توجه به رتبه‌بندی روستاها به روش تاپسیس، روستاهای نمونه به سه طبقه‌ی روستاهای نسبتاً توسعه‌یافته، در حال توسعه و روستاهای عقب‌مانده، براساس رتبه توسعه‌یافتگی (CI) دسته‌بندی گردید. شکل ۶ نقشه سطح‌بندی روستاهای نمونه را از نظر سطح توسعه‌یافتگی نشان می‌دهد.



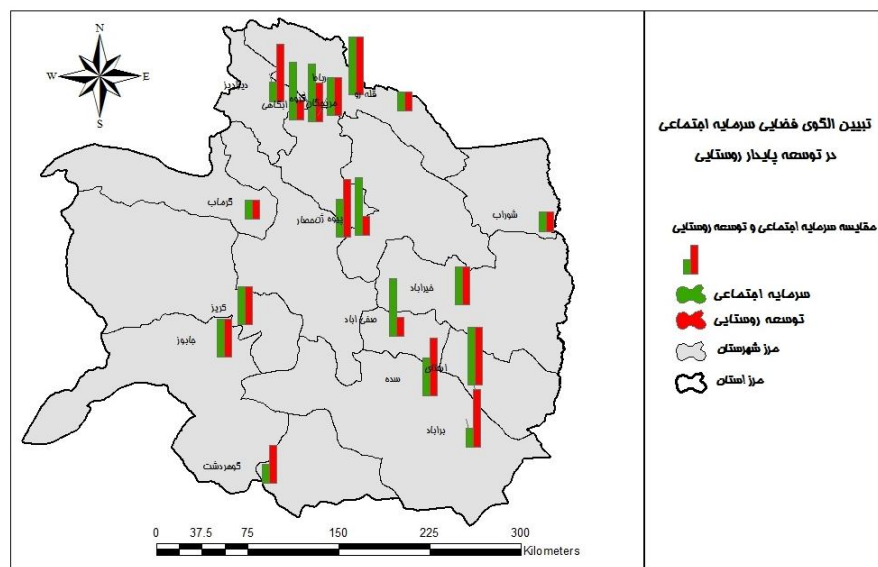
شکل شماره (۶): نقشه سطح‌بندی روستاهای نمونه از نظر میزان توسعه‌یافتگی

جهت تعیین رابطه بین متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی) و متغیر وابسته (توسعه روستایی) در منطقه مورد مطالعه و میزات تأثیرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته، از تکنیک تحلیل رگرسیونی و ضریب تعیین (R^2) استفاده شده است. جدول ۶ نشان‌دهنده میزان رابطه و تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر سطح توسعه‌یافتگی روستاهای مورد مطالعه است. نتایج حاصل از جدول حاکی است که دو متغیر اشاره شده، با یکدیگر رابطه معنادار آماری داشته و مقدار آلفا کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین سرمایه اجتماعی بر میزان توسعه روستاهای نمونه تأثیر داشته و تغییرات در سطح توسعه‌یافتگی را تبیین می‌نماید.

جدول شماره (۶): تحلیل رگرسیونی تأثیر سرمایه اجتماعی بر سطح توسعه‌یافتگی روستاهای مورد مطالعه

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب رگرسیونی (B)	ضریب رگرسیونی استاندارد (β)	ضریب تعیین (R^2)	مقدار T	سطح معناداری (Sig)
سرمایه اجتماعی	توسعه روستایی	۱۹/۰۳	۰/۴۸۴	۰/۲۳۵	۲/۲۱۴	۰/۰۴۲

با توجه به مقدار R^2 (ضریب تعیین) می‌توان گفت، متغیر وابسته متأثر از متغیر مستقل است؛ به عبارت دیگر، براساس ضریب تعیین، ۲۳/۵ درصد از واریانس توسعه‌یافتگی روستاهای نمونه، توسط سرمایه اجتماعی تبیین می‌شود. ضریب بتا نیز نشان‌دهنده ارتباط مستقیم بین دو متغیر مستقل و وابسته است. در نتیجه، از طریق تحلیل رگرسیون می‌توان اذعان نمود که با افزایش سرمایه اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه، سطح توسعه‌یافتگی نیز ارتقاء می‌یابد. شکل ۷ مقایسه وضعیت سرمایه اجتماعی و توسعه‌یافتگی روستاهای نمونه را در سطح استان خراسان رضوی نشان می‌دهد.



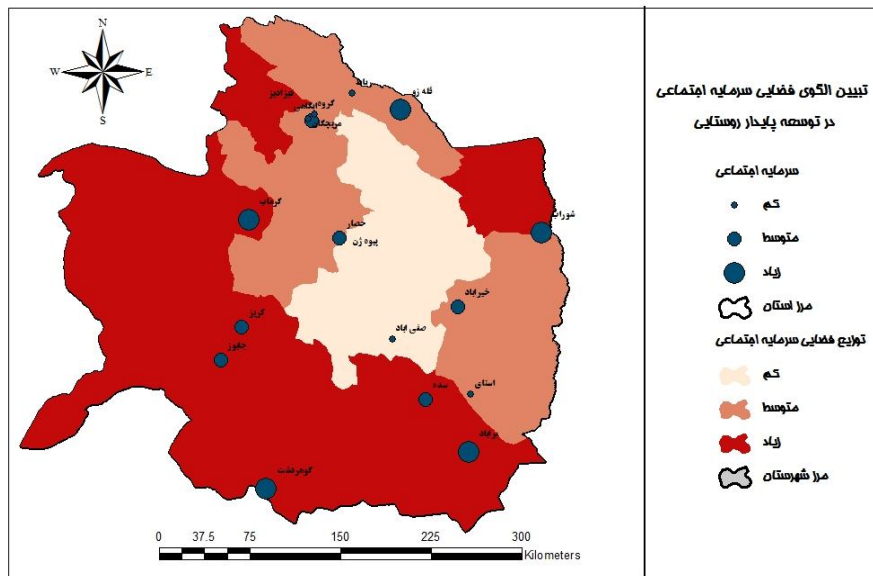
شکل شماره (۷): نقشه مقایسه وضعیت سرمایه اجتماعی و توسعه‌یافتگی روستاهای نمونه

به منظور بررسی رابطه بین موقعیت طبیعی روستاها و میزان فاصله از شهر با الگوی فضایی سرمایه اجتماعی در منطقه مورد مطالعه و میزان تأثیرگذاری این دو بر هم، از تکنیک تحلیل رگرسیونی و ضریب تعیین (R^2) استفاده شده است. جدول ۷ نشان‌دهنده نبود رابطه و تأثیرگذاری موقعیت طبیعی روستاها و میزان فاصله از شهر بر الگوی فضایی سرمایه اجتماعی روستاهای مورد مطالعه است. نتایج حاصل از جدول حاکی است که متغیرهای یاد شده، با یکدیگر رابطه معنادار آماری نداشته و مقدار آلفا بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد. همچنین با توجه به مقدار R^2 (ضریب تعیین) می‌توان گفت، ۴/۸ درصد از واریانس الگوی فضایی سرمایه اجتماعی، توسط موقعیت طبیعی روستاها و میزان فاصله از شهر، تبیین می‌شود.

جدول شماره (۷): تحلیل رگرسیونی موقعیت طبیعی و فاصله از شهر با نوع الگوی فضایی سرمایه اجتماعی روستاهای نمونه

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب رگرسیونی (B)	ضریب رگرسیونی استاندارد (β)	ضریب تعیین (R^2)	مقدار T	سطح معناداری (Sig)
موقعیت طبیعی	سرمایه اجتماعی	-۰/۰۹۲	۰/۳۰۶	۰/۰۴۴	-۰/۸۹۶	۰/۳۸۴
فاصله از شهر		۰/۰۰۲	۰/۱۴۳	۰/۰۰۴	۰/۴۲۰	۰/۶۸۱

میزان شاخص I برای تحلیل الگوی فضایی نقاط روستایی، براساس شاخص سرمایه اجتماعی، ۰/۴۱ می‌باشد که با عنایت به $E(I)$ محاسبه شده (۰/۳۱۲۵-) می‌توان گفت که الگوی فضایی سرمایه اجتماعی روستاهای مورد مطالعه به سمت الگوی متمرکز یا خوشه‌ای گرایش دارد. بر این اساس وضعیت سرمایه اجتماعی در میان روستاهای مورد مطالعه با استفاده از روش HOT SPOT از الگوی موجود در شکل ۸ تبعیت می‌نماید.



شکل شماره (۸): تحلیل فضایی سرمایه اجتماعی روستاهای نمونه در منطقه مورد مطالعه

۵) نتیجه‌گیری

همانطور که در ادبیات مقاله نیز طرح شد، در رویکردها و نظریه‌های جدید توسعه پایدار روستایی، بحث پایداری اجتماعی، مردم محور بودن توسعه، تمرکززدایی و توسعه نهادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و بنابراین سرمایه اجتماعی یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های توسعه‌ای است که در رویکردهای اخیر بسیار به آن توجه شده است. از این رو، شناخت این نوع سرمایه در مناطق روستایی به منظور ارائه الگوهای توسعه‌ای از ضرورت ویژه برخوردار است. طبق بررسی‌ها، اغلب مطالعات صورت گرفته در زمینه سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار روستایی در ایران، دارای نگرش جامعه‌شناسی بوده و بعد فضایی در آنها نادیده گرفته شده و یا بسیار کم‌رنگ است. بنابراین، مطالعه سرمایه اجتماعی با بُعد فضایی، نگاه نوینی است که علم جغرافیا سهام‌دار آن است. در نتیجه، آنچه که از واکاوی نوشته‌های سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار روستایی به دست می‌آید، این است که مفهوم سرمایه اجتماعی به‌ویژه با «بُعد فضایی» می‌تواند به‌عنوان رهیافتی جامع برای تحقق پایداری اجتماعی در رویکرد توسعه پایدار روستایی به حساب آید؛ چرا که هدف اصلی توسعه پایدار روستایی با رویکرد سرمایه اجتماعی، ارتقای کیفیت زندگی مردم محلی، توانمندسازی، ظرفیت‌سازی، افزایش مشارکت و اعتمادسازی، افزایش اعتماد به نفس و توسعه شبکه‌های ارتباطی روستاییان در داخل و بیرون از محیط روستا و توسعه نهادی می‌باشد.

نتایج به دست آمده، نشان‌دهنده‌ی رابطه معنادار آماری بین سرمایه اجتماعی و توسعه‌یافتگی روستاهای مورد مطالعه می‌باشد. به عبارت دیگر، براساس ضریب تعیین، ۲۳/۵ درصد از واریانس توسعه‌یافتگی روستاهای نمونه، توسط سرمایه اجتماعی تبیین می‌شود. در نتیجه، از طریق تحلیل رگرسیون می‌توان ادعان نمود که با افزایش سرمایه اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه، سطح توسعه-یافتگی نیز ارتقاء می‌یابد. همچنین میزان شاخص I برای تحلیل الگوی فضایی نقاط روستایی براساس شاخص سرمایه اجتماعی، ۰/۴۱ می‌باشد که با عنایت به $E(I)$ محاسبه شده (۰/۳۱۲۵-) می‌توان گفت که الگوی فضایی سرمایه اجتماعی روستاهای مورد مطالعه به سمت الگوی متمرکز یا خوشه‌ای گرایش دارد. از سوی دیگر نتایج نشان‌دهنده نبود رابطه و تأثیرگذاری موقعیت طبیعی روستاها و میزان فاصله از شهر بر الگوی فضایی سرمایه اجتماعی روستاهای مورد مطالعه است. نتایج حاصل از جدول حاکی از آن است که متغیرهای فوق‌الذکر با یکدیگر رابطه معنادار آماری نداشته و مقدار آلفا بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد. به عبارت دیگر، براساس ضریب تعیین، ۴/۸ درصد از واریانس الگوی فضایی سرمایه اجتماعی، توسط موقعیت طبیعی روستاها و میزان فاصله از شهر، تبیین می‌شود.

بنابر آنچه آمد، از نتایج مقاله چند نکته راهبردی حاصل می‌شود. نخست اینکه مهم‌ترین و اصلی‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی تعیین گردید. برخی از مهم‌ترین این شاخص‌ها همچون مشارکت، اعتماد، هنجار و نیز پیوندها و تعاملات در مناطق روستایی ایران هنوز از

جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. دومین نکته راهبردی این است که سرمایه اجتماعی با رویکردهایی همچون توانمندسازی، ظرفیت‌سازی، توسعه نهادی، برنامه‌ریزی ارتباطی و برنامه‌ریزی مشارکتی که از مهم‌ترین نظریات توسعه و برنامه‌ریزی روستایی هستند، قابل تبیین و تفسیر است. بدین‌سان، حرکت در مسیر توسعه پایدار روستایی با ارتقای سرمایه اجتماعی اجتناب‌ناپذیر است. نتایج به‌دست آمده از سؤال نخست مقاله (رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه‌یافتگی روستایی) با نتایج حاصل از مطالعات (میری و همکاران، ۱۳۸۹)؛ (خانی و همکاران، ۱۳۹۲)؛ (فتحی، ۱۳۹۱)؛ (علیائی، ۱۳۹۰)؛ (غفاری، ۱۳۹۰)؛ (Falk and Kilpatrick, 2000); (Flora, 1998); (Lee et al., 2005); (Shucksmith, 2000); (Sobels et al., 2001); (Svendsen and Svendsen, 2000); (Baranyai et al., 2011); (Sobels et al., 2001); (Vennesland, 2004); (Meinzen-Dick et al, 2004); (Krishna, 2004); (Maru et al., 2007); (Harper, 2002); (Woolcock, 2000); (Woodhouse, 2006); (Alonge, 2003); (Putnam, 1993) همسویی دارد. همچنین نکته‌ای که از نتایج به‌دست آمده از سؤال دوم مقاله (نوع الگوی فضایی سرمایه اجتماعی در منطقه مورد مطالعه) حاصل می‌شود این است که روستاهای مرکزی و نزدیک به مراکز شهری بزرگ همچون مشهد و نیشابور، از سرمایه اجتماعی پایین‌تری برخوردارند و هرچه به سمت مرز استان نزدیک‌تر می‌شویم، میزان سرمایه اجتماعی روستاها افزایش می‌یابد. راه‌های ارتباطی مناسب و دسترسی آسان به مراکز شهری، وابستگی کمتر روستاییان به یکدیگر در روستاهای مرکزی و نزدیک به شهرهای بزرگ را می‌توان از علل پایین بودن سرمایه اجتماعی در این روستاها نسبت به روستاهای منزوی و مرزی دانست. به عبارت دیگر، نسبت به توسعه روستاهای در انزوا واقع شده و نزدیک به مرز استان همواره توجه کمتری اعمال می‌گردد و بدین‌سان، این روستاییان به منظور غلبه بر مشکلات خود و محل زندگی خود، همکاری و مشارکت بیشتری با یکدیگر داشته و میزان ارتباط، اعتماد و همبستگی در میان آنها از نسبت بالایی برخوردار است.

۶ منابع

- افتخاری، عبدالرضا و سید علی بدری، (۱۳۹۱). بنیان‌های نظریه‌ای الگوی توسعه‌ای روستای نمونه، انتشارات استانداری گیلان، ۱-۲۶۸.
- افراخته، حسن و محمد حجتی پور، (۱۳۹۳). انباشت سرمایه و اقتصاد فضا در ایران، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۴، صص ۴۳-۶۳.
- پورطاهری، مهدی، ناهیده محمدی، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، (۱۳۹۳). ارزیابی و سنجش محرومیت در سطح مناطق روستایی، مورد: بخش مرکزی شهرستان جوانرود، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۳، صص ۱۷-۴۰.
- خانی، فضیله، مجتبی قدیری معصوم و احمد ملکان، (۱۳۹۲). تأثیر مؤلفه سرمایه اجتماعی بر ارتقای توسعه روستایی (مورد مطالعه: دهستان گودین، شهرستان کنگاور)، جغرافیا (فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)، شماره ۳۸، صص ۱۳۳-۱۵۲.

- زاهدی مازندرانی، محمد جواد، (۱۳۸۴)، توان پس‌انداز خانوارهای روستایی و آثار آن بر مشارکت روستاییان در فرآیند توسعه، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۹، صص ۲۷-۶۲.
- سلمانی، محمد، فریده تقی‌پور، مهدی رمضان‌زاده لسبویی و زهرا جلیلی پروانه، (۱۳۸۹)، تحلیل شبکه سکونتگاهی با تاکید بر جریان های جمعیتی در شهرستان فیروزکوه، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۴، صص ۷۵-۸۹.
- صرافی، مظفر، (۱۳۷۸)، مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- غفاری، غلامرضا، (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، چاپ اول، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
- فتحی، سروش، (۱۳۹۱)، تحلیلی بر نقش سرمایه اجتماعی بر توسعه روستایی، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، شماره ۲، صص ۱۹۵-۲۱۴.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسین، حمیده خسروی‌مهر و علی طورانی، (۱۳۹۳)، اثرات روابط اقتصادی شهر و روستا بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی سکونتگاههای روستایی، مورد: دهستان چهل چای در شهرستان مینودشت، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۴، صص ۱۹-۴۲.
- میری، غلامرضا، جعفر جوان، حسن افراخته، سعدالله ولایتی و حمید شایان، (۱۳۸۹)، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی (مطالعه موردی: منطقه‌ی پشت آب سیستان)، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۴، دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۲۹-۴۹.
- Abrahamson, K.V., (1997), **Paradigms of sustainability**. In S.Sorlin, ed. The road towards sustainability, A historical perspective, A sustainable Baltic region, The Baltic University Programme, Uppsalla University.
- Along, A.J., (2003), **Integrating Farmers, their Local Level Institutions, and Social Capital into Extension Delivery Systems in Sub-Saharan Africa**, Proceedings of the 19 Annual Conference, Raleigh, North Carolina, USA.
- Spielman, D.J., Ekboir, J., Davis, K. and Ochieng, C.M.O, (2008). **An innovation systems perspective on strengthening agricultural education and training in sub-Saharan Africa**, Agricultural Systems, VOL. 98, pp. 1-9.
- Avijit, G., (1998), **Ecology and development in third world**, Second Edition, Routledge, LONDON.
- Axinn, G.H. and Axinn, N.W., (1997), Collaboration in rural development, LONDON.
- Small, M.L, (2002). **Culture, cohorts, and social organization theory: Understanding local participation in a Latino housing project**, The American Journal of Sociology, VOL. 108, pp. 1-54.
- Shucksmith, M, (2000). **Endogenous Development, Social Capital and Social Inclusion: perspectives from leader in the UK**, Sociologia Ruralis, VOL. 40, No 2, pp. 208-218.
- ESCAP., (1996), **Showing the way: Methodologies for successful rural poverty alleviation projects**, Bangkok.
- Falk, L. and Kilpatrick, S., (1999), **What is Social Capital? A Study of Interaction in a Rural Community**, Faculty of Education, University of Tasmania, paper D5/1999, In the CRLRA Discussion Paper Series.
- Svendsen, G.L.H. and Svendsen, G.T, (2000). **Measuring social capital: the Danish co-operative dairy movement**, Sociologia Ruralis, VOL. 40, No 1, pp. 72-86.
- Meinzen-Dick, R., Di Gregorio, M. and McCarthy, N, (2004). **Methods for studying collective action in rural development**, Agric Syst, VOL. 82, No 3, pp. 197-214.

- Dobie, P, (2004). **Models for national strategies: Building capacity for sustainable development**, Development Policy Journal, VOL. 1, Special Issue: Capacity for Sustainable Development.
- Lee, J., Arnason, A., Nightingale, A. and Shucksmith, M, (2005). **Networking: social capital and identities in European rural development**, Sociologia Ruralis, VOL. 45, No 4, pp. 269–283.
- Overton, J., (1999), **Strategies for sustainable development: Experiences from the Pacific**, Zed Book, LONDON.
- Pichs, R., Swart, R., Leary, N. and Ormond, F., (2000), **Development Sustainability and Equity**, Proceedings of the second IPCC expert meeting on des, CUBA.
- Poomkaew, P., (2006), **Leadership, Social capital and community development in rural Thailand**, PhD Thesis in University of York, UK.
- Putnam, R., (1993), **Making democracy work: civic traditions in modern Italy**, Princeton, Princeton University Press, PRINCETON.
- Baranyai, Z., Toth Naar, Z. and Farkas, M.F, (2011). **Role of trust in building social capital and rural development**, International Journal of Social Sciences and Humanity Studies, VOL. 3, No 2, pp. 519-529.
- Flora, J.L, (1998). **Social capital and communities of place**, Rural Sociology, VOL. 63, pp. 481–506.
- Woodhouse, A, (2006). **Social capital and economic development in regional Australia: a case study**, Journal of Rural Studies, VOL. 22, pp. 83-94.
- Vennesland, B, (2004). **Social capital and networks in forest-based rural economic development**, Scandinavian Journal of Forest Research, VOL. 1, No 5, pp. 82–89.
- Lehtonen, M, (2004). **The environmental-social interface of sustainable development: capabilities, social capital, institutions**, Ecological Economics, VOL. 49, pp. 199-214.
- Sobels, J., Curtis, A. and Lockie, S, (2001). **The role of Landcare group networks in rural Australia: exploring the contribution of social capital**, Journal of Rural Studies, VOL. 17, pp. 265-276.
- Krishna, A, (2004). **Understanding, measuring and utilizing social capital: clarifying concepts and presenting a field application from India**, Journal of Agricultural Systems, VOL. 82, pp. 291-305.
- WCED (World Commission on Environment and Development)., 1987, **From one earth to one world: an overview**, Oxford University Press, OXFORD.
- Woolcock, M., (2001), **Using Social Capital: Getting the Social Relations Right in the Theory and Practice of Economic Development**, Princeton University Press, forthcoming, PRINCETON.
- Yokoyama, S. and Ishida, A., (2006), **Social capital and community development: a review, From: Potential of Social Capital for Community Development**, Published by the Asian Productivity Organization, JAPAN.